4شنبه 10/2/1404-2ذیقعده الحرام 1446- 30آوریل 2025- درس 136فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع –

مساله127: مدیران در مقام ادای رهبری سازمانی موظف به حفظ اسرار سازمان بویژه در بعد امنیتی وصیانتی و... هستند و در موارد خاص وضروری سکوت بر آنها واجب میشود که با رفع ضرورت، الزام آن منتفی میگردد . موارد ضروری را دستور العملهای اداری و یا عقل سازمانی مدیر مشخص میکند .

***شرح مساله***: معلوم شد که صمت به معنای اصطلاحی مدیریت گفتار سازمانی است که پرهیز از زیاده گویی و هذر است هذر به علت مفاسد موجود در آن و در پی آن که در اخبار باب بر شمرده شد توسط شارع لازم الاجتناب شمرده شد لقوله ع :" اجتنب الهذر .." و ایاک و الهذر ..." و

اما این که صمت که ضد آن است و از جنود عقل که دارای فوائد و منافع فراوانی است مثلا باعث وقار است و مصلحت تامه دارد باید واجب باشد و به علت این که گفتارمدیر را از مضار هذر میرهاند بر وجوب آن تاکید میشود البته اگر به معنای سکوت محض باشد جز در برخی موارد نمیتواند واجب باشد سکوت را نمیتوان یک تکلیف برای مدیران شمرد زیرا بدون گفتار نمیتوان مدیریت کرد مگر در بحر انهای خاص و امنیتی . ولی اگر به معنای پرهیز و اجتناب از هذر باشد قطعا واجب است لاطلاق قوله تعالی فاجتنبوا قول الزور " که هذر نیز از قول زور است لذا پرهیز از هذر که صمت است واجب میشود گویا امر به کنترل و مدیریت زبان کرده است که اصطلاحا صمت است و واجب است در قرآن کریم زکریای پیامبر ع را مامور به سکوتی میکند که سه روز طول میکشد و لی مانع ذکر خدا نیست لقوله تعالی :" الا تکلم الناس ثلاثه ایام الا رمزا واذکر ربک ; كثيرا ...." [[1]](#footnote-1)که به معنای عدم تکلم مطلق نیست و اتفاقا این ترکیب عدم تکلم با مردم و ذکر خدا یک معجزه و آیه بود برای اثبات حقانیت او یا برای برآورده شدن حاجت او که فرزند خواهی در سن پیری خودش و عاقر و عقیم بودن همسرش که اگر فرزند دارد می شدند مردم او را فرزند حقیقی و نسبی زکریا نمیدانستند این معجزه اثبات میکرد که فرزند نسبی است که در حالت استئنایی و ناباروری طبیعی بدنیا آمده است وباعث قبول آنها می شد در این جا ترک تکلم به صورت خاص و قضیه فی واقعه واجب شده است ولی از آن وجوب مطلق در همه حالات در نمی آید و معقول هم نیست و از حکیم صادر نمیشود که مدیرانی مثل زکریا را به سکوت امر کند يا منع از حرف زدن موقت مطلقا بله سه روز بود آنهم با ترکیب ذکر زبانی و نیز به جهت کاربرد خاص اثبات فرزندی یحیی ع برای زکریای پیامبرص و همسرش .که در سوره آل عمران مفصلا توضیح داده شده است .و دال بر سکوت محدود و خاص است نه مطلق و عام . اخباری را هم که در نوبت های قبل مورد تفقه قرار دادیم سکوت را واجب و تکلیف نمیدانست حتی استحباب هم از آن استظهار نمی شد بلکه نوعی مرجوحیت در آن وجود داشت کما این در خبر امام سجاد ع بود که همه امور رهبران با کلام و تکلم تدبیر میشد و جریان می یافت . یک بار هم حضرت مریم صوم سکوت به مریم س نسبت داده شده است آنهم با نذر روزه برای سکوت که در شریعت محمدی ص مورد تعقیب و تایید قرار نگرفته است و روزه سکوت بلکه حرام شده است. و لی اگر صمت را به معنای مدیرت گفتار سازمانی و پرهیز از هذر اصطلاح کنیم امری واجب ، الزامی قطعی است بویژه برای مدیران در مقام ادای رهبری سازمانی .یعنی صمت به معنای پرهیز از هذر واجبی قطعی است زیرا در ترک هذر که مصادیق سازمانی آن را در دو یا سه نوبت قبل بر شمردیم فوائد و منافع بیشماری نهفته است که جذب آنها واجب است پس اولا دلیل خاص بر وجوب سکوت مطلق توسط شارع اقامه نشده است و ثانیا بر وجوب عدم سکوت مطلق بلکه حرمت آن ادله ا ی داریم که مورد تفقه قرار گرفت در نوبت های قبل .زیرا بدون تکلم و گفتار مدیریت و تدبیر امور ممکن نیست تدبیر امور هم واجب است و الا هرج و مرج بوجود می آید پس تکلم واجب میشود منتهی تکلم مقید به عاری بودن از هذر .و این که صمت از جنود عقل است به علت سکوت از یاوه گویی است این امری است که بزرگان هم به آن قائل شده اند مثل امام راحل در شرح حدیث جنود عقل[[2]](#footnote-2) و جهل بلکه مطلق سکوت را از جند جهل بر شورده اند زیرا مانع از تدبیر و مدیریت و رهبری صحیح و کامل است فافهم

آیاتی از قرآن که مدیران را مکلف به قول سدید ،حسن ،معروف ، لین و... کرده است با امر "قولوا [[3]](#footnote-3)

صریحند در عدم وجوب سکوت مطلق بلکه دال بر کراهیت بلکه حرم آن را دارند مبتنی بر قاعده "امر به شی مقتضی نهی از ضد است " کما هو المختار . یعنی قول سدید و... واجبند بویژه در سازمان . پس سکوت مطلق واجب نیست مگر در مواردی خاص که مصلحت سکوت بر کلام بچربد که امری خاص است نه مطلق . لذا سکوت محدود به شرائط خاص میتواند واجب باشد ولی موقتا وضرورتا وبا رفع ضرورت الزام آن برداشته میشود زیرا :" الضرورات تبیح المحظورات : و " الضرورات تتقدر بقدر ها " که حکمی ثانوی و اضطراری و حکومت یا مدیریتی است نه حکمی شرعی اختیاری و دائمی و در هیچ شرح وظائفی نمیتوان سکوت مطلق را واجب یا مستحب دانست بلکه میتواند یک دستور العمل در مواقع خاص باشد مثل تکلیف به حفظ اسرار سازمان که سکوتی است محدود نه مطلق مثل داستان ابو لبابه که مامور به حفظ اسراز نظامی بود ترک فعل کرد آنهم با زبان بدن و مجازاتی سخت شد که در تاریخ ماندگار شد لذا این گونه سکوت های به غرض حفظ اسرار سازمانی وجود دارد که واجب هم هست ولی دال بر وجوب سکوت مطلق نیست و البته سکوت در حین قرائت قرآن هم واجب است آنهم با قیودی لقوله تعالی :" وانصتوا لعلکم ترحمون "[[4]](#footnote-4) ولی باز دال بروجوب صمت به معنای سکوت مطلق نیست [[5]](#footnote-5)و هم چنین در احکامیکه فقیهان برای سکوت در مواقع خاص صادر کرده اند در هیچ کدام دلیلی بر الزام یا ترجیح مطلق سکوت نیست[[6]](#footnote-6) وفرمایش معصومین ع در اخباری که امر به سکوت میکنند هم حمل بر پرهیز از حذر میشود کما مر[[7]](#footnote-7)

فتحصل : مدیران در مقام ادای رهبری سازمانی موظف به حفظ اسرار سازمان بویژه در بعد امنیتی وصیانتی و... هستند و در موارد خاص وضروری سکوت بر آنها واجب میشود که با رفع ضرورت الزام آن منتفی میگردد . موارد ضروری را دستور العملهای اداری و یا عقل سازمانی مدیر مشخص میکند .

1. آل‏عمران : 41 قالَ رَبِّ اجْعَلْ لي‏ آيَةً قالَ آيَتُكَ أَلاَّ تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ إِلاَّ رَمْزاً وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثيراً وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكارِ

   **ترجمه تفسير مجمع البيان    ج‏4    62**

   أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزاً- و درباره اين رمز چند قولست:

   1- مطلق اشاره (از قتاده) 2- حركت لبها.

   3- روزه سه روز چون مردم در آن وقت وقتى روزه داشتند سخن نمى‏گفتند (از عطا).

   ترجمه تفسير مجمع البيان، ج‏4، ص: 63

   وَ اذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيراً- (و پروردگارت را بسيار ياد كن) يعنى در اين سه روز. و معنى آيه اينست كه چون در آيه قبل، از سخن گفتن منع شده بود بداند كه از ذكر و تسبيح خداوند ممنوع نيست و اين مطلب معجزه را بليغ‏تر و آشكاراتر ميسازد.

   **ترجمه تفسير مجمع البيان    ج‏4    62**

   ا از خداوند درخواست كرد كه براى وقت حمل زن نشانه‏اى بوى دهد تا بيشتر او را سپاس گويد و عبادت كند و يا زودتر خوشدل شود.

   قالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً: خدايا برايم نشانه‏اى قرار ده يعنى علامتى براى وقت حمل زن. خداوند فرمود آن علامت باز ايستادن زبان توست (بى آنكه آفتى پيدا كند):

   قالَ آيَتُكَ‏- يعنى خدا گفت نشانه تو، يا جبرئيل گفت. [↑](#footnote-ref-1)
2. صمت عبارت از سکوت است (696) ، لکن در این جا مقصود سکوت مطلق نیست ؛ زیرا که سکوت مطلق از جنود عقل نیست و افضل از کلام نیست ، بلکه کلام در موقع خود افضل از سکوت است ؛ زیرا که به کلام ، نشر معارف و حقایق دینیه و بسط معالم و آداب شریعت شود ، و خداى تعالى متصف به تکلم است ، و از اوصاف جمیله او متکلم است . از این جهت ، در مقابل صمت در این روایت تکلم را قرار نداده ، بلکه هذر ـ فتحتین ـ را ، که عبارت از هذیان است و تکلم به چیزهاى بى معنى لاطئل است ، قرار داده . (697)  
   پس ، آنچه از جنود عقل است ، و در شرع و عقل مورد تحسین است ، سکوت از هذیان و هذر است و البته این سکو و حفظ زبان از لغو و باطل ، از فضایل و کمالات انسانى است ؛ بلکه اختیار زبان را داشتن و این مار سرکش را در تحت اختیار در آوردن از بزرگترین هنرمندى ها است که کمتر کسى مى تواند به آن موفق شود ، و اگر کسى داراى چنین قدرتى شد ، از آفات و خطرات بسیارى محفوظ ماند؛ زیرا که زبان داراى آفات و خطرات بسیارى است ؛ بعضى براى آن قریب بیست آفت ذکر کردند (698) و شاید از آن هم بیشتر باشد  
   بالجمله ، کلام با آن که از کمالات وجود است ، و تکلم منشا کمالات بسیارى است ـ که بدون آن باب معارف مسدود مى شد ، و خداى تعالى در قران کریم مدح شایان از آن فرموده در سوره رحمن که فرماید : الرحمن #... خلق الانسان \* علمه البیان (699) ؛ تعلیم بیان را در این آیه ، مقدم بر تمام نعمتها داشته در مقام امتنان بر نوع انسانى ـ با این وصف چون اطمینان از سلامت آفات آن نمى شود پیدا کرد ، و در تحت اختیار آوردن زبان از مشکل ترین امور است ، سکوت و صمت بر آن ترجیح دارد.  
   و اهل ریاضت سکوت را بر خود حتم مى داشتند (700) ؛ چنانچه خلوت را نیز اهمیت مى دادند براى همین نکته . با آن که در معاشرات با اهل معرفت و دانشمندان و اهل حال و ریاضت ، فوائد بیشمار و عوائد بسیار است ، و در اعتزال ، حرمان از معارف و علوم بسیار است ، و خدمت به خلق ـ که از افضل طاعات و قربات است ـ نوعا با معاشرات و آمیزش دست دهد؛ لکن چون آفات معاشرت بسیار است و انسان نمى تواند نوعا خود را زا آن حفظ کند ، مشایخ اهل ریاضت اعتزال را ترجیح دهند بر عشرت . (701)  
   و حق آن است که انسان (702) در اوائل امر که اشتغال به تعلم و استفاده دارد باید معاشرت با دانشمندان و فضلا کند ، ولى با شرایط عشرت و مطالعه در احوال و اخلاق معاشرین . و در بدایات سیر و سلوک و اواسطى و اوائل نهایات نیز از خدمت مشایخ و بزرگان اهل حال باید استفادت کند ، پس ناچار به عشرت است .  
   و چون به نهایات رسید ، باید مدتى به حال خود پردازد ، و اشتغال به حق و ذکر حق پیدا کند. اگر در این اوقات ، خلوت با حق با عشرت جمع نشود ، باید اعتزال کند تا کمال لایق از اعلا بر او افاضه شود. و چون حال طمانینه و استقرار و استقامت در خود ید ، و از حالات نفسانیه و وساوس ابلیسیه مطمئن شد ، براى ارشاد خلق و تعلیم و تربیت بندگان خدا و خدمت به نوع به آمیزش و خلطه پردازد ، و خود را مهیا و آماده کند که تا مى تواند از خدمت به بندگان خدا باز ننشیند.  
   و همین طور این دستور کلى است براى صمت و سکوت و تکلم و ارشاد ، که در اوائل امر که خود متعلم است ، باید به بحث و درس و تعلم اشتغال پیدا کند ، و فقط از کلمات و اقوال لغو و باطل خوددارى کند. و چون کامل شد ، به تفکر و تدبر اشتغال پیدا کند ، و زبان از کلام به غیر ذکر خدا و آنچه مربوط به اوست بر بندد تا افاضات ملکوتى بر قلب او سرشار شود. و چون وجود او حقانى شد ، و از گفتار و اقوال خود مطمئن شد ، به سخن آید و به تربیت و تعلیم و دستگیرى مردمان برخیزد ، و لحظه اى از خدمت آنان ننشیند تا خداى تعالى از او راضى شود ، و در شمار بندگان مربى او را قرار دهد و خلعت معلمى و مرشدى را به قامت او راست کند و اگر نقصى در این میان داشته باشد ، به واسطه این خدمت ، خداوند تعالى جبران کند.  
     
    [↑](#footnote-ref-2)
3. "، البقرة : 83 وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَ بَني‏ إِسْرائيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ ذِي الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاَّ قَليلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ

   النساء : 5 وَ لا تُؤْتُوا السُّفَهاءَ أَمْوالَكُمُ الَّتي‏ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً وَ ارْزُقُوهُمْ فيها وَ اكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً

   النساء : 8 وَ إِذا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبى‏ وَ الْيَتامى‏ وَ الْمَساكينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً

   الأحزاب : 70 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَديداً

   طه : 44 فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى‏ [↑](#footnote-ref-3)
4. الأعراف : 204 وَ إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ [↑](#footnote-ref-4)
5. براساس نظر بیش‌تر مفسرین و فقیهان، سکوت کردن و گوش کردن به صدای قرآن کریم، فقط در قرائت نماز جماعت، واجب است و در غیر این صورت مستحب است. فقط به این نکته باید توجه داشت که اگر در بین نماز بود، نباید فاصله طولانی ایجاد شود؛ به طوری که موالات و هیئت و صورت نماز به هم بخورد [↑](#footnote-ref-5)
6. سکوت در صورت عدم وجود مرجّح برای سخن گفتن، [مستحب](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8" \o "مستحب" \t "_blank)، و در [روایات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "روایات" \t "_blank) بدان ترغیب شده است. در حدیثی از [امام صادق (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام صادق (علیه‌السّلام)" \t "_blank) آمده است: «بنده مؤمن تا زمانی که ساکت است، نیکوکار نوشته می‌شود، و چون لب به سخن گشاید، نیکوکار یا گنه‌کار نوشته می‌شود».

   [[۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot1)

   و نیز به نقل از آن حضرت آمده است «سکوت، گنج فراوان و زینت شخص بردبار و پوشش فرد نادان است».

   [[۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot2)

   **[۲ - احکام سکوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85%20%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA)**

   سکوت به لحاظ عروض حالاتی، موضوع احکامی دیگر قرار گرفته که بدان‌ها اشاره می‌شود:

   **[۲.۱ - سکوت در نماز](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2" \o "سکوت در نماز)**

   سکوت کردن و گوش فرا دادنِ ([انصات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B5%D8%A7%D8%AA" \o "انصات" \t "_blank)) ماموم هنگام قرائت امام بنابر قول مشهور مستحب است.

   [[۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot3)

    برخی آن را [واجب](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8" \o "واجب" \t "_blank) دانسته‌اند.

   [[۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot4)

   **[۲.۲ - سکوت در نماز برای شنیدن سخن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2%20%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C%20%D8%B4%D9%86%DB%8C%D8%AF%D9%86%20%D8%B3%D8%AE%D9%86" \o "سکوت در نماز برای شنیدن سخن)**

   در نماز و اثنای [قرائت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA" \o "قرائت" \t "_blank) یا [ذکر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B0%DA%A9%D8%B1" \o "ذکر" \t "_blank)، سکوت کردن برای شنیدن سخن گوینده‌ای [مکروه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D8%B1%D9%88%D9%87" \o "مکروه" \t "_blank) است.

   [[۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot5)

   **[۲.۳ - سکوت در نماز جماعت اخفاتی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2%20%D8%AC%D9%85%D8%A7%D8%B9%D8%AA%20%D8%A7%D8%AE%D9%81%D8%A7%D8%AA%DB%8C" \o "سکوت در نماز جماعت اخفاتی)**

   در نماز جماعتِ اخفاتی، مانند [نماز ظهر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2_%D8%B8%D9%87%D8%B1" \o "نماز ظهر" \t "_blank) هنگام اشتغال [امام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AC%D9%85%D8%A7%D8%B9%D8%AA" \o "امام جماعت" \t "_blank) به قرائت، بر ماموم گفتن [تسبیح](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B3%D8%A8%DB%8C%D8%AD" \o "تسبیح" \t "_blank) مستحب و سکوت کردن مکروه می‌باشد.

   [[۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot6)

   **[۲.۴ - سکوت پس از پایان قرائت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D9%BE%D8%B3%20%D8%A7%D8%B2%20%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86%20%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA" \o "سکوت پس از پایان قرائت)**

   در نماز بین [حمد](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D8%AD%D9%85%D8%AF" \o "سوره حمد" \t "_blank) و سوره و نیز پس از اتمام سوره، سکوت کردن به مقدار‌ اندک (اندازه یک نفس کشیدن) مستحب است.

   [[۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot7)

   [[۸]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot8)

   [[۹]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot9)

   **[۲.۵ - سکوت هنگام ایراد خطبه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D9%87%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%85%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AF%20%D8%AE%D8%B7%D8%A8%D9%87" \o "سکوت هنگام ایراد خطبه)**

   در وجوب ترک سخن و خاموش بودن هنگام ایراد خطبه‌های [نماز جمعه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2_%D8%AC%D9%85%D8%B9%D9%87" \o "نماز جمعه" \t "_blank) و گوش فرادادن به خطبه‌ها، اختلاف می‌باشد.

   [[۱۰]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot10)

   [[۱۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot11)

    قول به وجوب به مشهور نسبت داده شده است.

   [[۱۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot12)

   لیکن سکوت و [استماع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9" \o "استماع" \t "_blank)، هنگام ایراد خطبه‌های نماز [عید فطر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%DB%8C%D8%AF_%D9%81%D8%B7%D8%B1" \o "عید فطر" \t "_blank) و [قربان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%DB%8C%D8%AF_%D9%82%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D9%86" \o "عید قربان" \t "_blank)، مستحب است.

   [[۱۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot13)

   **[۲.۶ - سکوت هنگام قرائت قرآن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D9%87%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%85%20%D9%82%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D8%AA%20%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \o "سکوت هنگام قرائت قرآن)**

   سکوت کردن و گوش دادن به آیات [قرآن کریم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86_%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D9%85" \o "قرآن کریم" \t "_blank) هنگام تلاوت قاری، مستحب است.

   [[۱۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot14)

   [[۱۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot15)

   **[۲.۷ - روزه سکوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%87%20%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA" \o "روزه سکوت)**

   [روزه سکوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%87_%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA) (صوم الصمت)؛ بدین‌گونه که روزه‌دار، سکوت را جزء [نیت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%DB%8C%D8%AA" \o "نیت" \t "_blank) [روزه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%87" \o "روزه" \t "_blank) قرار دهد، [حرام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%85" \o "حرام" \t "_blank) است.

   [[۱۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot16)

   **[۲.۸ - رابطه سکوت و رضا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B7%D9%87%20%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D9%88%20%D8%B1%D8%B6%D8%A7" \o "رابطه سکوت و رضا)**

   سکوت دلالت بر [رضایت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B6%D8%A7%DB%8C%D8%AA" \o "رضایت" \t "_blank) ندارد، مگر آنکه قراین و شواهدی بر رضایت سکوت کننده وجود داشته باشد. بنابر این، در مواردی همچون اجازه [عقد فضولی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D8%AF_%D9%81%D8%B6%D9%88%D9%84%DB%8C" \o "عقد فضولی" \t "_blank) سکوت دلالت بر [اجازه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B2%D9%87" \o "اجازه" \t "_blank) نمی‌کند؛ زیرا اعم از رضایت است.

   [[۱۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot17)

   [[۱۸]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot18)

   [[۱۹]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot19)

   **[۲.۹ - سکوت دختر در ازدواج](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC" \o "سکوت دختر در ازدواج)**

   لیکن در خصوص [دختر باکره](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D8%B1_%D8%A8%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D9%87" \o "دختر باکره" \t "_blank) مشهور سکوت وی را در برابر پیشنهاد [ازدواج](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC" \o "ازدواج" \t "_blank)، نشانه رضایت و اذن او به ازدواج تلقی کرده و آن را کافی دانسته‌اند.

   [[۲۰]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot20)

   [[۲۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot21)

   **[۲.۱۰ - سکوت در برابر بدعت‌ها](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1%20%D8%A8%D8%AF%D8%B9%D8%AA%E2%80%8C%D9%87%D8%A7" \o "سکوت در برابر بدعت‌ها)**

   سکوت عالمان در برابر [بدعت‌ها](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%AF%D8%B9%D8%AA" \o "بدعت" \t "_blank) جز در موارد [تقیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%82%DB%8C%D9%87" \o "تقیه" \t "_blank) حرام و مقابله با آن، بر ایشان واجب است.

   [[۲۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot22)

   **[۲.۱۱ - سکوت دو طرف دعوا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%AF%D9%88%20%D8%B7%D8%B1%D9%81%20%D8%AF%D8%B9%D9%88%D8%A7" \o "سکوت دو طرف دعوا)**

   هر گاه [مدّعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AF%D9%91%D8%B9%DB%8C" \o "مدّعی" \t "_blank) و [مدّعی‌علیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AF%D9%91%D8%B9%DB%8C%E2%80%8C%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87" \o "مدّعی‌علیه" \t "_blank) در دادگاه سکوت اختیار کنند، بر [قاضی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B6%DB%8C" \o "قاضی" \t "_blank) مستحب است از آنان یا از مدّعی از ایشان بخواهد سخن بگویند و اگر گمان کند سکوت آنان به جهت ابهت و مقام او است، به فردی دیگر دستور می‌دهد که آن را به آنان ابلاغ کند.

   [[۲۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot23)

   **[۲.۱۲ - سکوت مدعی‌علیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D9%85%D8%AF%D8%B9%DB%8C%E2%80%8C%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87" \o "سکوت مدعی‌علیه)**

   سکوت مدعی‌علیه در برابر مدعی اگر به جهت [عذر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%B0%D8%B1" \o "عذر" \t "_blank) باشد، مانند آنکه لال یا وحشت‌زده باشد، قاضی به اقتضای حال، اقدام به رفع عذر می‌کند؛ اما اگر بدون عذر باشد، قاضی او را به پاسخ‌گویی ترغیب می‌نماید.  
   در صورت استمرار سکوت، در چگونگی برخورد قاضی با وی اختلاف است که آیا او را تا زمان پاسخ‌گویی بازداشت می‌کند، یا اینکه از باب [امر به معروف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%B1_%D8%A8%D9%87_%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81" \o "امر به معروف" \t "_blank) با رعایت تدریج تا [حدّ زدن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AF" \o "حد" \t "_blank) بر او سخت می‌گیرد، یا اینکه قاضی او را به بازگرداندن قسم به مدّعی، تهدید می‌کند و به وی می‌گوید: پاسخ بده وگرنه تو را خودداری کننده از [قسم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B3%D9%85" \o "قسم" \t "_blank) شمرده، آن را به مدعی بر می‌گردانم، و در صورت مقاومت مدّعی‌علیه و استمرار سکوت وی، تهدید خود را عملی و پس از سوگند خوردن مدّعی، به نفع او حکم می‌کند، و یا اینکه پس از سخت‌گیری بر مدّعی‌علیه و اصرار وی بر سکوت، قاضی او را تهدید می‌کند.

   [[۲۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot24)

   [[۲۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot25)

   **[۲.۱۳ - سکوت زوج در ادعای قذف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%B2%D9%88%D8%AC%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A7%D8%AF%D8%B9%D8%A7%DB%8C%20%D9%82%D8%B0%D9%81" \o "سکوت زوج در ادعای قذف)**

   هرگاه [زوجه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%88%D8%AC%D9%87" \o "زوجه" \t "_blank) مدّعی شود شوهرش او را [قذفِ موجب لعان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B0%D9%81_%D9%85%D9%88%D8%AC%D8%A8_%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%86" \o "قذف موجب لعان (پیوندی وجود ندارد)) کرده و [زوج](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%88%D8%AC" \o "زوج" \t "_blank) سکوت کند، در اینکه ملزم به پاسخ‌گویی می‌شود و در صورت خودداری زندانی می‌گردد تا پاسخ دهد، یا زوجه می‌تواند پس از سکوت زوج و قبل از پاسخ‌گویی وی، علیه او [بینه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%DB%8C%D9%86%D9%87" \o "بینه" \t "_blank) اقامه کند، اختلاف است.

   [[۲۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot26)

   **[۲.۱۴ - انکار فرزند پس از سکوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%A7%D9%86%DA%A9%D8%A7%D8%B1%20%D9%81%D8%B1%D8%B2%D9%86%D8%AF%20%D9%BE%D8%B3%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA" \o "انکار فرزند پس از سکوت)**

   آیا شوهری که هنگام زاییدن همسرش سکوت اختیار کرده و نوزاد را از خود نفی نکرده، پس از آن می‌تواند او را از خود نفی کند؟ مسئله اختلافی است. برخی، انکار پس از سکوت را نافذ ندانسته‌اند، مگر آنکه تاخیر در انکار در حدّ متعارف و از روی عذر باشد، همچون مراجعه به [حاکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%A7%DA%A9%D9%85" \o "حاکم" \t "_blank) و مانند آن. برخی دیگر سکوت زوج را اقرار ندانسته و تا زمان عدم اقرار، حق انکار را برای او محفوظ دانسته‌اند.

   [[۲۷]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot27)

   [[۲۸]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot28)

    قول نخست منسوب به مشهور است.

   [[۲۹]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot29)

   **[۲.۱۵ - سکوت طلب‌کار](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA%20%D8%B7%D9%84%D8%A8%E2%80%8C%DA%A9%D8%A7%D8%B1" \o "سکوت طلب‌کار)**

   کسی که از دیگری طلب دارد و او از پرداخت آن امتناع می‌ورزد، مستحب است به جای اصرار و سخن گفتن با بدهکار، نزد او برود و بدون آنکه سخنی بگوید مدتی طولانی بنشیند.

   [[۳۰]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%DA%A9%D9%88%D8%AA_(%D9%81%D9%82%D9%87)" \l "foot30) [↑](#footnote-ref-6)
7. ـ وعنه ، عن محمد بن عيسى ، عن يونس ، عن الحلبي رفعه قال : قال رسول:  الله صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم : امسك لسانك فإنها صدقة تتصدق بها على نفسك ، ثم قال : ولا يعرف عبد حقيقة الإيمان حتى يخزن لسانه. الفقيه ٤ : ٢٨٣ | ٨٣٨.

   [ ١٦٠٣١ ] ٩ ـ وعن محمد بن يحيى ، عن محمد بن الحسين ، عن علي بن الحسن بن رباط ، عن بعض رجاله ، عن أبي عبدالله عليه‌السلام قال : لا يزال العبد المؤمن يكتب محسنا ما دام ساكتا ، فاذا تكلم كتب محسنا أو مسيئا. وسائل: [الشيخ حرّ العاملي](https://lib.eshia.ir/%D8%A7%D9%84%D8%B4%D9%8A%D8%AE_%D8%AD%D8%B1%D9%91_%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%84%D9%8A)    12جلد : 12  صفحه184 : 184

   ورواه الصدوق مرسلا إلا انه قال : لا يزال الرجل المسلم [↑](#footnote-ref-7)